

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۳۰ - ۲۰۹

تبیین و نقد پیامدهای تربیتی عرفان‌های اومانیستی با تأکید بر اندیشه وین‌دایر بر اساس معنویت‌گرایی قرآن کریم

علیرضا محمودنیا^۱
سیاوش مظفری^۲
سوسن کشاورز^۳
رمضان برخوردار^۴

چکیده

مقاله حاضر مطالعه‌ای توصیفی است که با هدف تبیین و نقد پیامدهای تربیتی عرفان‌های اومانیستی با تأکید بر اندیشه وین‌دایر بر اساس معنویت‌گرایی قرآن کریم انجام شده است. در این پژوهش از روش قیاس علمی (اسم‌تتاجی) و تطبیق یا هم‌سنجی لنزی و از نقد تطبیقی مبتنی بر دیدگاه کری واک استفاده شده است. محقق در این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش‌هاست که چه نقدهای تربیتی عرفان‌های اومانیستی از دیدگاه وین‌دایر بر اساس معنویت‌گرایی قرآن کریم وارد است؟ پیامدهای تربیتی عرفان‌های اومانیستی با تأکید بر اندیشه وین‌دایر چیست؟ با نظر به معنویت‌گرایی قرآنی، چه انتقاداتی بر پیامدهای تربیتی عرفان‌های اومانیستی با تأکید بر اندیشه وین‌دایر وارد است؟ نتایج بیانگر آن است که عرفان‌های اومانیستی با تأمل به جهان یک سویه و یک بعدی که انسان را در مرکز توجهات قرار می‌دهند، از دست‌آوردهای مهم اومانیست‌ها به شمار می‌رود. که البته آموزه‌های اسلامی نیز به کاربست آن در زندگی مسلمانان سفارش نموده است؛ از سویی دیگر در دوران معاصر، درمان معنوی از گرایش‌هایی شد که در قلمرو بهداشت و سلامت روان، توجه بر انگیز شد. اندیشمندانی چون وین‌دایر با داشتن نگرش مثبت به زندگی و استفاده از جنبه‌های روحانی بشر، به مقوله معنویت اهمیت دو چندان بخشیدند؛ اما از آن‌جا که دیدگاه «معنویت منهای دین» بر آنان سلطه داشته، در تفسیر معنویت و نتیجه بخش بودن عملی آن به برداشت‌های نادرستی اشاره کرده‌اند. معنویت آن‌گاه اثر بخش و پایدار خواهد بود که از خواستگاه راستین و حقیقی خودگرفته شده باشد؛ هم از منظر تجربی و هم قرآن کریم در تعالیم خویش تأکید و تصریح نموده است که نمی‌توان نقش مذهب و معنویت برخاسته از آن را در بهداشت و بهیاشی روحی انسان‌های نادیده انگاشت. از آنجا که سرشت الهی آدمی الهی بوده و روحی خدایی دارد، روانشناسی معنوی در صورتی موفق خواهد بود که به چارچوب‌های لازم در تقویت روحیه انسان که همانا مقوله اخلاق دین محورانه است توجه داشته باشد.

واژگان کلیدی

امام عرفان‌های اومانیستی، پیامدهای تربیتی، معنویت‌گرایی، وین‌دایر، قرآن کریم.

۱. دانشیار عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: alirezamahmmudnia@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mozaffari1342@gmail.com

۳. دانشیار، عضو هیات علمی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: SS.Keshavarz@yahoo.com

۴. استادیار، عضو هیات علمی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: ramazanbarkhordari@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۶

طرح مسأله

جامعه جهانی امروزه به علت دوری از آموزه‌های وحیانی و الهی دچار بحران‌های روحی و اجتماعی بسیاری گردیده است، ناتوانی تمدن سکولار و مکاتب فلسفی غرب در این میان موجب شده برای برون رفت از این مشکلات و یا تحمل آسان این دردها هریک از سنت‌های معنوی در گوشه دنیا به ارائه عقاید و آموزه‌های خویش برآمده‌اند. جنبش‌های معنوی نوین یا حرکت‌های نو پدید دینی، موضوعی است که در چند دهه گذشته، بسیاری از دین‌شناسان، جامعه‌شناسان و الهی‌دانان را به پژوهش و نظریه‌پردازی واداشته است (مظاهری‌سیف، ۱۳۹۱: ۱۴۷). هر پدیده‌ای بیش از آن که موضوع حکم یا تجزیه تحلیلی قرار گیرد لازم است به خوبی شناسایی شود، با بررسی پدیدارشناسی جریان‌های نو، شاهد معنویت به تاراج رفته از بشریت توسط مدرنیسم هستیم، معنویت که با فطرتشان آمیخته شده و آنان را سرگشته و حیران همچون تشنه‌ای در پی آب ساخته ولی آن چه که از این جنبش‌ها به دست می‌آورند سرابی بیش نیست. جهان غرب پس از چند صد سال گریز از معنا و معنویت و شتاب در سیر عقلانیت ابزاری در قالب مدرنیسم و تجربه‌گرایی پوزیتویسم^۱، رو به گرایش‌های معنوی درونی و تجربه‌های باطنی آورد و موج معنا طلبی در آن سخت بالا گرفت (شریفی دوست، ۱۳۹۱: ۱۱).

امروزه مکتب معنوی وین‌دایر، در شمار مکاتب جدیدی قرار گرفته که معنویت را به شکلی نو عرضه می‌کند. او اندیشمندی است که پس از فروپاشی نظام‌های مادی خلاء معنویت و دین را در غرب به خوبی احساس کرد و با استفاده از تکنیک روان‌درمانی، مشاوره و تجارب عرفانی و نیز با استفاده از تکنیک نویسندگی، نیاز فطری بشر به معنویت و عرفان را مرتفع می‌سازد، وین دایر که زندگی کودکی‌اش سراسر رنج و سختی بود، در طی یک کشف تجربه معنوی که پس از گذشت و بخشش پدرش، به او دست داد؛ کرسی استادی را رها می‌کند و تصمیم می‌گیرد تجربه‌های معنوی خود را بنویسد و آن را در اختیار مخاطبان خویش قرار دهد. آنچه که وین دایر به منزله سعادت بشر معرفی می‌کند، کشف ندای درون می‌باشد که در تمامی آثارش به مخاطبین خود توصیه می‌کند که با تکیه بر تجارب عرفانی و انجام مدیتیشن و رسیدن به خودآگاهی درون می‌توان به آرامش و زندگی هدفمند رسید (جوارشکیان، ۱۳۸۳: ۶).

اومانیسیم^۲ به معنای اصالت انسان یا انسان‌گرایی، نوعی رویکرد به منزلت و ارزش‌های وجودی انسان است که در برابر تحقیرهای کلیسای قرون وسطا بر انسان در نیمه دوم قرن چهاردهم در ایتالیا، شکل گرفت. «اومانیسیم، پارسیایی تنگ نظرانه‌ای را که کلیسا مقرر می‌داشت،

1. Positivism
2. Humanism

تاب نمی‌آورد، نمی‌خواست از طبیعت به عنوان دامی فریبنده به‌راسد، نمی‌خواست نفس را پلید به شمار آورد و فضیلت را تنها در ترک زاهدانه زندگی بیابد. آموزه کلیسای قرون وسطا اعتقاد به گناهکاری ذاتی بود. اعتقاد به این که روح و جسم به کلی از یکدیگر جدا هستند و چون آدمی جز از راه جسم توانایی نمایش روح را ندارد، گناهی اجتناب‌ناپذیر را به دوش می‌کشد. جنبش‌های نوپدید دینی به واسطه پیروی از مؤلفه‌های مدرنیته به ویژه اومانسیسم انسان را در مسند خدایی قرار می‌دهند به این امید که مشکلات انسان خداگونه به پایان رسد. حال آن‌که این سرآغاز گرفتاری انسان فاقد معنویت و یا بهتر بگوییم انسان فاقد خداست. پال توچل^۱ معتقد است که انسان‌ها به خدا رخصت می‌دهند که هستی داشته باشد، اگر خدا شکلی داشت و به صورتی و نه صاحب هیچ‌گونه ارکانی که بتواند نبات خود را به بشر سرایت دهد؛ مگر این‌که بشر خود این وسایط را در اختیارش بگذارد. به عبارت دیگر، خدا تنها در صورتی می‌توانست متجلی شود که آدمی از قوای پندار و تحلیل خود به عنوان مجرای برای تجلی آن استفاده کند؛ تنها از طریق این رکن بود که خدا می‌توانست بدین طبقه خاکی راه یابد. خدا از این قالب به منزله مجرای استفاده می‌کرد تا به جهان زمین بیاید و بر بشر متجلی شود (توچل، ۱۳۷۹: ۲۸).

معنویت قرآنی پاسخ به همه نیازهای نسل جدید و انسان معاصر و مدرن است عصر مواسات و مساوات را بشارت می‌دهد چه این که معنویت در قرآن در هندسه جامعی از معرفت و عقلانیت، تربیت و عدالت و فرهنگ و تمدن الهی - انسانی تعریف و تنظیم شده است و این معنویت کارآمد و زندگی ساز بر اصولی استوار است به همچنین با توجه به مطالب عنوان شده می‌توان گفت: عرفان وین دایر علی‌رغم مطابقت با مفاهیم قرآن و معارف اسلامی، بیشتر یک معنویت شخصی و محدود در اخلاقیات فردی بوده و فاقد نظام اعتقادی منسجم و پشتوانه فلسفی صحیح می‌باشد و مواردی که در باب اخلاق فردی بیان می‌شود، تنها بخشی از آموزه‌های اخلاق در ادیان الهی است و در سایه نظام اعتقادی صحیح می‌تواند مایه نجات و رستگاری بشر باشد. از آنجا که نظریات فلاسفه و مربیان معاصر مبنای فعالیت‌های تربیتی و تربیت جدید تلقی می‌شود. هدف این پژوهش تبیین و نقد پیامدهای تربیتی عرفان‌های اومانیستی با تأکید بر اندیشه وین دایر بر اساس معنویت‌گرایی قرآنی، بررسی پیامدهای تربیتی عرفان‌های اومانیستی با تأکید بر اندیشه وین دایر و بررسی معنویت‌گرایی قرآنی و نقد پیامدهای تربیتی عرفان‌های اومانیستی با تأکید بر اندیشه وین دایر است. در اثر بسیاری از محققان همچون نیک‌سرشت و طباطبایی (۱۳۹۶)، ابوتریبیان (۱۳۸۵)، و کیلی (۱۳۸۴)، صانع‌پور (۱۳۸۲) و پیروز (۱۳۸۵) و بسیاری از محققان دیگر به جنبه‌های مختلف عرفان‌های اومانیستی و پیامدهای تربیتی آن و

همچنین معنویت‌گرایی بر اساس آثار دینی پرداخته شده است، اما در هیچیک از آثار مورد بررسی به بررسی پیامدهای تربیتی عرفان‌های اومانیستی از دیدگاه و اندیشه وین دایر بر اساس معنویت‌گرایی قرآن کریم اشاره نشده است که این خود می‌تواند وجه تمایز و نوآوری پژوهش حاضر از سایر پژوهش‌ها قرار گیرد که با استفاده از دیدگاه و نظر اندیشمندان غیراسلامی بر اساس معنویت‌گرایی دینی بتوان پیامدهای تربیتی یک پدیده را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. از این رو مسأله اصلی در پژوهش حاضر بر این اساس است که چه انتقاداتی بر پیامدهای تربیتی عرفان‌های اومانیستی از دیدگاه و اندیشه وین دایر بر اساس معنویت‌گرایی قرآن کریم مطرح می‌باشد؟

پیشینه تحقیق

نیک‌سرشت و طباطبایی (۱۳۹۶) در تحلیل و بررسی پیامدهای اومانیسم از دیدگاه علامه طباطبایی با تکیه بر تفسیر میزان بیان کرده‌اند که اومانیسم هر نظام فلسفی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی یا اجتماعی است که هسته مرکزی آن انسان باشد. علامه بر این عقیده است که میان اصالت انسان و ایمان به خدا تضادی وجود ندارد، بلکه تنها در رابطه با خداست که انسان می‌تواند اصالت پیدا کند و اگر اعتقاد به معاد نباشد هیچ اصل دیگری نیست که بشر را از پیروی هوای نفس باز بدارد و نیز در مورد تساهل با کفار بیان می‌کند که از اصول الهی نباید دست برداشت و در این راستا دفع بدی‌ها به بهترین وجه باید صورت پذیرد.

ابوترابی (۱۳۸۵) در پایان‌نامه نقد و بررسی اومانیسم از دیدگاه استاد مطهری (ره) بیان کرده است که مبنای تفکر غرب مدرن، اومانیسم یا انسان‌محوری است. اومانیسم واژه‌ای است که معمولاً درباره فلسفه‌های برجسته، ادبیات و اندیشه بعد از دوره رنسانس یعنی از اواخر قرن ۱۴ به کار می‌رود. رنسانس به معنای تجدید حیات است و چیزی که در آن دوران حیات دوباره یافت، هنر و فرهنگ باستانی بود که بعد از قرن‌ها فراموشی و میرایی، با محوریت انسان و تفکر اومانیستی از نو جان گرفت و زنده شد.

وکیلی (۱۳۸۴) در مقاله نقد مبانی اومانیستی حقوق بشر غربی بیان کرده است که در سده بیستم، جهان پس از سپری کردن تجربیات بسیار تلخ ناشی از دو جنگ جهانی ویرانگر با تاسیس سازمان ملل متحد در ۲۶ ژوئن سال ۱۹۴۵، گامی جدی به سوی تامین صلح و امنیت بین‌المللی برداشت. از جمله اقدامات سازمان ملل متحد، صدور بیانیه حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ بود. حقوق بشر غربی به دلیل مشتمل بودن بر آموزه‌های اومانیستی و سکولار و تأکید بر اندیشه «خویشتن مالکی»، «نادیده انگاشتن مبدا جهان هستی» و «لذت‌گرایی»، هویت واقعی انسان را نادیده گرفته و در نتیجه موضوع فضیلت و کرامت ارزشی انسان را که از مهم‌ترین تعالیم ادیان الهی و بخصوص دین اسلام محسوب می‌شود، به گوشه انزوا رانده یا مورد تفسیرهای انحراف‌آمیز قرار

داده است.

صانع‌پور (۱۳۸۲) در مقاله دیدگاه اومانیستی و دین بیان کرده است که بینش انسان محورانه که از دوره رنسانس به بعد شالوده تفکر غربی را تشکیل می‌دهد، در اندیشه دینی الاهیات غربی نیز نقش اساسی و بنیانی بازی می‌کند؛ اما این نقش: ۱. گاهی با ادیان الاهی مانعاً الجمع است؛ ۲. زمانی با اصالت بخشی به عقل انسان فقط دین عقلانی را می‌پذیرد؛ ۳. و زمانی قابل جمع با ادیان وحیانی و الاهی است. به بیانی دیگر: در رابطه سلبی اومانیسم با خداپرستی انسان آن چنان در زمینه اختیار، آزادی و قدرت، خود را توانا می‌یابد که به نحو بالقوه یا بالفعل ادعای خدایی می‌کند و این نهایت درجه طغیان انسان است.

پیروز (۱۳۸۵) در مقاله انسان، اومانیسم و عرفان اسلامی بیان کرده است که از دیدگاه مدرنیست‌ها، عرفان اسلامی در طول تاریخ در بعد روابط و مناسبات حاکم میان سالک و شیخ و مرید و مراد، نوعی «اراده معطوف به قدرت» و به تبع آن «استبداد سیاسی» را در جامعه ایران پرورش داده است. از نگاه اومانیست‌های تجددگرا، عرفان اسلامی در خدمت هژمونی سلطه نظام‌های فئودالی و سرمایه‌داری بوده است و در ساختار نظام سیاسی و اجتماعی ایران، آثار مخرب و تباه‌کننده‌ای بر جای نهاده است. نگارنده در این مقاله بر آن است فرضیه‌ای «ضد اومانیستی بودن عرفان اسلامی» را نقد و بررسی کند و ابعاد تجددگرایانه و اومانیستی عرفان اسلامی را طرح و تبیین نماید.

۱. مبانی نظری

۱-۱. تعریف و مفهوم عرفان

«عرفان در اصطلاح یعنی خداشناسی و شناخت حضرت حق تعالی». (سعیدی، ۱۴۰۱: ۵۲۸). در کتاب لغت، عرفان علمی از علوم الهی معرفی شده است: «نام علمی است از علوم الهی که موضوع آن شناخت حق و اسماء و صفات اوست. و بالجمله راه و روشی که اهل الله برای شناسائی حق انتخاب کرده‌اند عرفان می‌نامند» (دهخدا، لغت نامه، ج ۱۰: ۱۳۵۹). عرفان معرفتی است مبتنی بر حالتی روحانی و توصیف ناپذیر که در آن حالت برای انسان این احساس به وجود می‌آید که ارتباطی مستقیم و بی‌واسطه با حق تعالی یافته است، البته این احساس حالتی روحانی و معنوی است، که قابل تعریف و توصیف نمی‌باشد (زرین کوب، ۱۳۹۲: ۱۰).

تعریف راسل از عرفان نیز این گونه است که: هرگاه احساسمان نسبت به عقایدمان شدید و عمیق شود، به آن عرفان گویند (استیس، عرفان و فلسفه: ۳-۱). به طور کلی می‌توان گفت که عرفان دارای دو مفهوم عام و خاص است:

- الف: مفهوم عام: «وقوف به دقایق و رموز چیزی است مقابل علم سطحی و قشری».
- ب: مفهوم خاص: «یافتن حقایق اشیاء بطریق کشف و شهود». (دهخدا، لغت نامه، ج ۱۰:

۱۳۵۹۲.

۲-۱. تعریف و مفهوم اومانیسیم

واژه «اومانیسیم»، در لغت به معنای انسان‌گرایی یا انسان‌مداری است، اما در باب معنای اصطلاحی آن، چنان تنوعی وجود دارد که برخی از اندیشمندان گفته‌اند: واژه فلسفی اومانیسیم، همانند سایر اصطلاحات فلسفی که دوره‌های موازی، تاریخی عقلی و کاربردی عمومی دارند، از تنوع فراوان تعاریف رنج می‌برد، تعاریفی که وقتی آنها را یک جا و در کنار هم لحاظ می‌کنیم، به نظر می‌آید که هیچ فردی را نمی‌توان یافت که اومانیسیت نباشد (لویس، ۱۹۹۸: ۵۲۸).

واژه «اومانیسیم»، در لغت به معنای انسان‌گرایی یا انسان‌مداری است، اما در باب معنای اصطلاحی آن، چنان تنوعی وجود دارد که برخی از اندیشمندان گفته‌اند: واژه فلسفی اومانیسیم، همانند سایر اصطلاحات فلسفی که دوره‌های موازی، تاریخی عقلی و کاربردی عمومی دارند، از تنوع فراوان تعاریف رنج می‌برد، اومانیسیم فلسفه‌ای است که ارزش یا مقام انسان را ارج می‌نهد و او را میزان همه چیز می‌شناسد و سرشت انسانی و حدود و علایق طبیعت آدمی را موضوع قرار می‌دهد. هدف این جنبش فرهنگی آن بود که با توجه به متون کلاسیک فرهنگ باستانی یونان و روم هم چون «ویرژیل» و «هومر» نیروهای درونی انسان را شکوفا ساخته، دانش و زندگی اخلاقی و دینی انسان‌ها را از قیومت کلیسا آزاد نماید (بیات و دیگران، ۱۳۸۱: ۴۰-۳۸).

تأکید بر حقوق طبیعی در قرن هیجدهم و عصر روشنگری از دیگر جنبه‌های مثبت اومانیسیم به شمار می‌رود. فیلسوفان روشنگری در این باره از طبیعت انسان مفهومی تجربیدی در نظر داشتند که قابل انطباق بر افراد انسان بود. بر این اساس، انسان به لحاظ سرشت طبیعی خویش حقوقی انکارناپذیر دارد که به دلیل شرایط اجتماعی و سیاسی خاصی این حقوق را از دست می‌دهد و باید برای باز به چنگ آوردن این حقوق مبارزه کند. ژان ژاک روسو که در آغاز مشهورترین رساله سیاسی خود یعنی «قراداد اجتماعی» نوشت «انسان آزاد به دنیا می‌آید ولی همه جا به زنجیر کشیده می‌شود» میان مفهوم کلی و تجربیدی انسان به معنای موجودی که دارای حقوقی طبیعی و مسلّم است و انسان‌های واقعی‌ای که در سلطه قدرت انسان‌هایی دیگر و مناسباتی ظالمانه زندگی می‌کنند، تفاوت قایل می‌شد. بازگشت به انسانی که دارای حقوق طبیعی و خدادادی بود ضرورت بازگشت به موقعیت طبیعی را نشان می‌داد و منش اجتماعی زندگی انسان‌ها را که سبب شده بود همه جا به بند و زنجیر کشیده شوند، مورد نکوهش قرار می‌داد (دیویس، ۱۳۷۸: ۱۲۱).

۳-۱. اندیشه‌های عرفانی و تربیتی وین دایر

اکثر کتب وین دایر حول محور «معنویت» و «عرفان» نگاشته شده است. معنویت که وی تبلیغ می‌کند نقاط قوتی مخصوص به خود را دارد که بسیاری از مکاتب معنویت‌گرای امروز از

این مزایا بیبهره و یا کم بهره‌اند. ۱. خدا محوری: دلپذیرترین و برجست‌ترین نقطه در اندیشه‌های وین دایر «تاکید بر خدا محوری» است. در نگاه وی مجموعه عالم هستی تحت قدرتی عظیم به نام «خداوند» اداره می‌شود. و هیچ کلمه و واژه‌ای نمی‌تواند خدا را آن‌گونه که هست توصیف نماید. (همان، ۴۱) همه انسان‌ها از خدایند و به او بازگشت خواهند نمود (وین دایر، ۱۳۹۳: ۵۹). ۲. هدفمندی خلقت: دایر به خوبی و به جا هدفمندی کائنات و حاکم بودن سنت‌های ثابت بر هستی را می‌پذیرد و این مسئله را در جاهای مختلف بازگو می‌کند. «هیچ چیز در این جهان اتفاقی یا الله بختکی نیست بلکه همه چیز از اصول و قواعد خاص پیروی می‌کند». «شما در نظامی قرار دارید که تحت هدایت یک عقل کل و شعور مطلق قرار دارد. یعنی همه چیز هدفمند است» (وین دایر، ۱۳۸۶: ۱۰۲). وی به زیبایی بین اراده آزاد انسانی و هدفمندی دستگاه خلقت جمع می‌کند و در عین رد جبرگرایی تفکر صحیح را تفکری می‌داند که ضمن پذیرش موهبت اختیار و اراده برای انسان، شعور و هدفمندی را برای کل هستی بپذیرد. «من بر این اعتقادم که جهان بی نقص و عاری از هر گونه نقصان و کم و زیاد و در نهایت کمال است و اذهان ما از درک آن عاجز و غیر از این هم از خالق جهان، نباید انتظار داشت وی تمامی اجزاء هستی را دارای ماموریتی ویژه می‌داند که تحقق این رسالت را مأموریت نهایی هر انسان می‌داند. و اگر کسی در جهت انجام رسالت خود گام بر دارد بخشی از تکامل هستی تحقق یافته است (وین دایر، ۱۳۹۳: ۶۵). ۳. فضایل اخلاقی در عرفان دایر: باید اعتراف نمود بسیاری از صفات اخلاقی فاضله و ابعاد الهی وجود انسانی در نوشته‌های وین دایر به صورت زیبایی انعکاس یافته است. می‌توان ادعا نمود که با توجه به تأثیرپذیری دایر از مولوی - که در جاهای متعددی از مولوی نام می‌برد و گفته‌های او را به صورت کامل نقل می‌کند و گاهی هم به قرآن استناد می‌کند بسیاری از گفته‌های دایر در حیطه اخلاقیات از متون اسلامی یا حداقل از عرفای اسلامی اخذ و اقتباس شده است تا جائی که گاهی تعبیرات دایر مو به مو با همان تعبیرات بکار رفته در احادیث معصومین تطبیق می‌کند. مناسب است پاره‌ای از محاسن کلام دایر - آموزه‌های اخلاق فردی - مرور گردد تا این قرابت به گونه ملموس‌تری روشن شود (همان، ۷۴). ۴. شکرگزاری: در بیان دایر شکرگزاری و سپاس به درگاه خداوند باعث می‌شود نعمت بیشتری نصیب انسان گردد و صفت سپاسگزاری، خصلت منفی «آز و افزون طلبی» را در انسان زایل می‌کند و فرد خدا خواه باید در هر حال (حال سختی و حال خوشی) شکرگزار خداوند باشد و تمامی موهبت‌هایی که در زندگی انسان وارد می‌شود باید مشمول این حالت واقع شوند. دایر خود ضمن اینکه هر روز صبحدمش را با شکرگزاری آغاز می‌کند به خوانندگان آثارش توصیه می‌کند هر روز صبح بگویید: «خدایا به خاطر زندگی‌ام، سلامت بدنم، بخاطر خانواده‌ام، به خاطر امروزم و این فرصت جدیدی که در اختیارم قرار دادی تو را شکر می‌کنم خدایا شکر! شکر! شکر!» (وین دایر، ۱۳۸۶: ۱۰۶). ۵.

قناعت و ساده زیستی: وی ضمن تاکید بر این که هر کسی باید تلاش کند حرفه شرافتمندانه‌ای داشته باشد و از ثمره دسترنج خود ارتزاق نماید قائل است زندگی باید براساس رهایی از تعلقات مادی همراه باشد و این رهایی به معنی فقر و نداری نیست بلکه به معنی این است که انسان از قید وابستگی‌ها آزاد و رها باشد تا بتوان به جنبه‌های معنوی و روحانی عالم اتصال برقرار کرد. او می‌گوید تلاش کنید تا زندگی خود را ساده کنید (وین‌دایر، ۱۳۹۳: ۷۳). ۶. گذشت و ایثار: دایر پذیرفته است که بخشش به دیگران و چشم‌پوشی از خطاهای آنان، راه تجلی نور به قلب آدمی است و تأکید می‌کند «محال است کسی بدون گذشت در زندگی روزمره به آگاهی و بیداری معنوی دست یابد». به بیان دایر بخشش باعث می‌شود حس سرزنش و مذمت دیگران در انسان از بین برود و اگر از سر تقصیرات و خطاهای دیگران بگذریم نیاز به سرزنش آن‌ها هم نخواهیم داشت که البته بعد از آن که انسان بتواند ذهنیت‌های بد و سوء تفاهم‌ها را نسبت به دیگران تقلیل دهد گذشت راحت‌تر صورت می‌گیرد (همان، ۷۸). ۷. خدمت به مخلوقات خداوند: وین دایر به طور مکرر توصیه می‌کند که آدمی باید به خلق خدا خدمت کند و در راه مشکلات دیگران سعی خود را به کار گیرد تا از این طریق حس الهام شکوفا شده و به خدا نزدیک شود وی معتقد است که به هر میزان انسان معنوی‌تر شود حس خدمت به خلق هم در او شدیدتر می‌شود و حضور در میان فقرا و کسانی که مال و اموالی ندارند باعث ایجاد حس و عشق می‌شود. وی از خوانندگان آثارش می‌خواهد سعی کنید به دیگران کمک کنید آن هم در خلوت و بدون انتظار پاداش و حتی تشکر. و حتی سعی کنید اسمتان هم برده نشود وی به افرادی که از ترس فقر کمک به دیگران را ترک می‌کنند گوشزد می‌کند: هرچه که صرف بخشش شود به همان صورت و یا بیشتر به زندگی انسان بر می‌گردد و اصلاً سخاوت فلسفه وجودی انسان است و بخشش در تقویت قدرت الهام معجزه آسا عمل می‌کند (همان، ۸۴). ۸. آزادی جنسی ضد آزادی است: وین دایر بر خلاف برخی عارف‌نماها - همچون اشو^۱ - که آزادی جنسی را راه رسیدن به حقیقت خیال کرده‌اند (شریفی‌دوست، ۱۳۹۱: ۱۳). ۹. راستگویی راه حقیقت است: «اگر ما دوست داریم برای همیشه هماهنگ با روح قدسی عمل کنیم و برای دیگران نیز منبع الهام باشیم داشتن صداقت ضروری است وقتی حقیقت را پنهان میکنیم ... این عمل به شکل جدایی از خداوند در زندگی ما خود را نشان می‌دهد» وی با تاکید بر این که در زندگی الهی، صداقت یک ضرورت است و صداقت و راستگویی را راه همسویی و هماهنگی با خدا هستند به این نکته اشاره می‌کند که همه حرف‌های راست در همه جا لازم نیست بیان گردد و انسان می‌تواند با ترفندهای مختلفی بدون آن که مرتکب دروغ شود از افشای اسرار خودداری کند (همان، ۱۷). ۱۰. پرهیز از

مجادله: دایر مجادله لفظی با دیگران را آفت الهام و معنویت می‌داند و یادآور می‌شود که هیچ نیازی نیست که انسان همه را راضی و تسلیم افکار خود نماید چرا که خواسته‌های حقیقی ما همان چیزهایی است که ندای درونمان است. و این که انسان با هر قیمتی در مشاجرات و مناظرات بخواهد حرف خود را به کرسی بنشاند باعث دوری انسان از خود متعالی و عقل می‌گردد و مشاجره و مباحثه بی‌مورد، خواست نفس جعلی (ایگو) است (وین دایر، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

۴-۱. عرفان اسلامی

عرفان اسلامی^۱ را می‌توان به عرصه وسیعی تعبیر کرد که عرفان نظری و عملی و متعارف را دربر می‌گیرد و با طریقت تصوف هم‌آمیختگی دارد و در مواردی تلقی یکسان یا مختلطی از آن دو می‌شود. با این حال عرفان اسلامی به‌طور خاص و مصطلح در عرصه علوم اسلامی مانند دیگر دانش‌های اسلامی چون فلسفه و کلام اسلامی و ... مطرح می‌باشد. عرفان اسلامی را می‌توان معرفت، و دانشی دانست که بدان عنصر عشق، در مطابقت و همراهی با ساختار وحی در اسلام گره خورده است (مطهری، چ ۱۹، ۱۳۷۶: ۸۳).

حقیقت عرفان اسلامی در صدر اسلام در قالب «شناخت، فهم عمیق و لطیف از خالق هستی و شناسایی حقایق هستی و پیوند و ارتباط انسان با حقیقت» ریشه در متن اسلام و سیره معرفتی معصومین و اصحاب سرّ آن‌ها مانند: «سلمان»، «ابوذر»، «مقداد»، «لویس»، «کمیل»، «عمار»، «میثم تمار»، «حذیفه» و غیره می‌باشد؛ و پس از ایشان توسط عارفانی چون: «سید ابن طاوس»، «ابن فهد حلی»، «ملاصدرا شیرازی»، «مقدس اردبیلی»، «فیض کاشانی»، «شیخ بهایی»، «حکیم محمد رضا قمشه‌ای»، «سید علی قاضی»، «شیخ محمدعلی شاه آبادی»، «میرزا جواد آقا ملکی تبریزی»، «علامه طباطبایی»، «سید روح‌الله خمینی» و غیره بدون داخل شدن در سلسله‌های شناخته شده و توجه به آداب طریقت افزون بر شرع ادامه یافت. از سویی گروهی دیگر از بزرگان عرفان که به طریقت خاصی ورود کرده بودند و بعلاوه شرع به بعضی آداب طریقت نیز پایبند بودند از قرن دوم قمری مشهور به صوفی و در سلسله‌های شناخته شده ظهور پیدا کردند که این نوع عرفان را غالباً تصوف می‌خوانند. با این حال عرفان اسلامی مصطلح و مدون در کنار دیگر علوم اسلامی برای اولین بار توسط ابن عربی (پدر عرفان نظری) شکل گرفت (زرین کوب، چ ۷، ۱۳۷۳: ۱۳).

۵-۱. معنویت گرائی در قرآن کریم

معنوی / ma'nāvī / منسوب به معنی، مربوط به معنی،... شخصی که در عالم معنی و باطن سیر کند (معین، ۱۳۹۲: ۲). المعنوی منسوب به معنی، معنوی ضد مادی است (افرام

البتسانی، ۱۳۵۲: ۳۸۱). المعنوی، منسوب به معنا، المعنی جمع معان و به معنای آن چه از چیزی مقصود باشد است. المعانی: صفات پسندیده‌ای است که انسان دارا باشد. گفته می‌شود: «فلان حسن المعانی» یعنی دارای صفات ستوده و پسندیده (معلوف، ۱۴۱۲: ۵۳۵). معنویت از ماده «عنی، یعنی، معنی» است. یعنی آنچه که از لفظ اراده شده است. توضیح این‌که الفاظی وضع شده‌اند که همه جا به کار می‌روند. این الفاظ ظاهر و آشکارند ولی معنی و واقعیتی دارند که اصل و حقیقت است و این لفظ، اشاره و علامت است که ذهن را متوجه آن حقیقت.

در فرهنگ لغت آکسفورد، spirituality به معنای معنویت را حالت یا کیفیت مرتبط با موضوعات روحی و روانی ترجمه نموده و spirit به معنای روح را به معانی مختلفی از جمله احساسات و تفکر که متمایز از جسم باشد، روان جدای از جسم، و... در نظر گرفته است (هورن بی، ۱۳۸۰، ۱۱۴۶). در رابطه با معنویت و بعد روحی و معنوی انسان، منان متعال می‌فرماید: «ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً» (حدید: آیه ۲۷). تا بدین جا همه چیز مطلوب و متعادل است، اما پس از این چه می‌شود؟ خداوند متعال در ادامه همین آیه می‌فرماید: «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ» نتیجه ابتداع رهبانیتی که غلو در معنویت است و خداوند آن را بر آنان مقرر نکرده بود این می‌شود که: «وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ». کلمه (فسق) به طوری که گفته‌اند، از الفاظی است که قبل از آمدن قرآن معنای امروز آن را نداشت، و در این معنا استعمال نمی‌شد، و این قرآن کریم است که کلمه نامبرده را در معنای معروفش استعمال کرد، و آن را از معنای اصلیش که به معنای بیرون شدن از پوست است گرفته، چون وقتی می‌گویند: (فسقت التمره) معنایش این است که خرما از پوستش بیرون آمد، و به همین جهت خود قرآن نیز کلمه: فاسقین را تفسیر کرد به «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ»، کسانی که می‌شکنند عهد خدا را بعد از میثاق آن، و معلوم است که نقض عهد وقتی تصور دارد که قبلاً بسته و محکم شده باشد، پس نقض عهد نیز نوعی بیرون شدن از پوست است (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۸۵-۱۰).

روش تحقیق

در پژوهش حاضر با توجه به سوالهای پژوهش از دو روش استفاده خواهد شد. روش‌های که مورد نظر است عبارت‌اند از: قیاس علمی (استنتاجی) و تطبیق یا هم‌سنجی لنزی. و برای پاسخگویی به سوال دوم از نقد تطبیقی مبتنی بر دیدگاه کری واک استفاده خواهد شد.

۲-۱. نقد تطبیقی کری واک

روش تطبیقی به شیوه هم‌سنجی لنزی بر اساس دیدگاه کری واک. در این روش محقق با یک تطبیق به معنای مقایسه و هم‌سنجی روبروست. این کار نه صرفاً جفت کردن در به اجبار

کنار هم گذاشتن می‌باشد؛ تطبیق یا هم‌سنجی در مقایسه مبتنی بر شباهت‌ها و تفاوت‌های جدی و معناداری شکل می‌گیرد؛ در اصل درک یکتایی پدیده‌ها اساساً از راه مقایسه نقادانه شباهت و تفاوت‌هایشان با پدیدارهای مرتبط حاصل می‌آید (اسپیل برگ، ۱۳۹۱: ۵۹). به عبارتی تطبیق یا هم‌سنجی در باب دو متن - دو تئوری - دو تندیس تاریخی یا دو نماد یا دو فرایند علمی و ... به شیوه نقادانه صورت می‌پذیرد.

۲-۲. تطبیق یا هم‌سنجی لنزی

در تطبیق لنزی به جای آن‌که وزن مساوی به «الف» و «ب» بدهند، «الف» را لنز یا عینک برای بررسی «ب» قرار می‌دهند که کری واک پنج معیار یا شاخص در این تطبیق ارائه نموده است:

۱. چارچوب ارجاع

۲. بنیاد یا زمینه‌های تطبیق

۳. فرضیه یا تز

۴. ترتیب ساختاری

۵. اتصال «الف» و «ب» (نتیجه‌گیری).

تحلیل یافته‌ها

در فصل بخش تلاش می‌گردد به روش قیاس علمی (استنتاجی) و تطبیق یا هم‌سنجی لنزی، مباحثی را که در این تحقیق دنبال نمودیم، مورد بحث و بررسی قرار دهیم. به دنبال بحث کوتاه و موجز در رابطه به یافته‌های تحقیق، تلاش می‌گردد تا پرسشهای تحقیق نیز پاسخ داده شود.

۳-۱. نقد و بررسی

پس از اینکه دایر در حوزه‌ای تعلیم و تربیت عرفان‌های اومانیستی با اصلاحاتی که انجام داده بود و در اوج خود بود، فروپاشی نظام تعلیمی اومانیستی توسط تحقیق آلیستر هاردی^۱ که پس از پژوهشی گسترده روی چندین فرد مذهبی، انجام داده بود، نشان داد که دایر نیز در همان سویه نگری و یک جانبه‌گرایی پیشین منتها ایشان از یک سمت دیگر دچار شده است (صدیقی، ۱۳۸۷: ۲۵). دایر، هرگونه اثر مذهب در نظام عرفانی را حذف می‌کند. شکاف بین باورهای مذهبی و معنوی دایر به وضوح قابل مشاهده است. دایر به تبع از آلبرت آلیس^۲، بنیانگذار روان‌درمانی منطقی، می‌نویسد: مذهب، خالصانه، سنتی و جزم‌اندیش یا آن‌چه دینداری نامیده

1. Alister hardi

2. Albert Aliss

می‌شود، به طور معنادار با اختلال هیجانی بستگی دارد... فرد مذهبی و مؤمن، انعطاف ناپذیر، گرفته، کم ظرفیت و تغییرناپذیر است؛ بنابراین، دینداری در خیلی از جنبه‌ها، معادل تفکر غیرمنطقی و اختلاف هیجانی است. شکاف بین باورهای مذهبی متخصصان سلامت روانی و بیماران آن‌ها، بر نوع درمان‌های تجویز شده اثر می‌گذاشت؛ اما پژوهش‌های کنونی، نگرش روان شناسان به مذهب و معنویت را دگرگون نشان می‌دهد. در بررسی محدودی مشخص شد که برخی روان شناسان، داشتن باورهای مذهبی را بر شیوه‌ای روان درمانی مؤثر یافته و شماری دیگر، شیوه درمانی خود را بر باورهایشان اثر گذار دیده‌اند (کوئینگ، ۱۳۹۴: ۶۶-۵۳).

بنابراین دو مقوله‌ای که در آغاز باید جداسازی شوند، مذهب و معنویت است. امروزه گاهی معنویت، مفهومی کلی‌تر و گسترده از مذهب به شمار می‌آید. گرچه معنویت به پیوند با موجودی متعالی توجه دارد، ضروری نمی‌بیند که این ارتباط را از گذر مذهب و تشکیلات اجتماعی مذهبی به انجام برساند. معنویت بیشتر مسئله‌ای فردی است که بر هیجانات تکیه دارد. افزون، چهره‌ای معنویت، ذهنی دورنی است و محدوده‌ای آن چندان مشخص نیست. از آنجا که در نگرش جهانی، معنویت از مذهب جداست، ممکن است رسمی نبوده و به مکتب‌ها و آیین‌های خاص گرایش نداشته باشد. گاه معنویت به جای باور به خداوند، بر ارتباط با طبیعت، هنر، ارزش‌ها و مسائل انسانی گرایش می‌یابد؛ اما با این حال، افرادی نیز هستند که درمان را بر اساس آموزه‌های مذهبی انجام داده و تاکید آنان بیشتر بر مذهب و معنویت دینی است (همان، ۷۵-۷۴). ضمن این‌که در نظام عرفان اسلامی، سازگاری‌های مذهبی، بیشتر مثبت هستند تا منفی (همان، ۷۷).

مطابق آن‌چه از گفتار وین دایر ارائه شد، رویکرد وی به عرفان، فراسوی مذهب و دین است؛ به سخنی دیگر او عرفان‌های جاری در نظام اومانستی را فاقد مذهب می‌نماید. هرچند که گفته‌اند که مذهب را عامدانه حذف نمی‌کند بلکه در حاشیه می‌راند. در حال حاضر، پژوهش‌های بسیاری به بررسی ارتباط میان اعمال مذهبی و همچنان هیجان مثبت هم‌چون بهزیستی، شادمانی، امید به زندگی، هدف و خوشبینی و نیک‌نگری پرداخته‌اند. از صد مطالعه‌ای که تا پیش از سال ۲۰۰۰ درباره رابطه مذهب و سلامت انجام شد، ۸۰ درصد آنها نشان می‌دهند که بین افزایش یافتن مذهبی و خرسندی از زندگی، شادمانی و خلاقیت، رابطه‌ای آماری و معنادار وجود دارد. بهترین پژوهش‌ها آن‌هایی بودند که در طول زمان مطالعات آینده‌نگر انجام شدند و از ده نمونه، هشت نمونه نشان داد که دینداری بیشتر، بهزیستی مطلوب‌تری را پیش‌بینی می‌نماید. علاوه بر این، گونه‌ای هم‌ارزی میان «فعالیت مذهبی و سلامت روان» با «بهزیستی و حمایت اجتماعی و تأهل» مشاهده شده است (همان: ۸۳-۸۲).

ممکن است جلوه‌های گوناگون دینداری شامل حضور در مکان‌های مذهبی، دعا و نیایش، انگیزه‌های مذهبی و ... به گونه یکسان با سلامت روان در ارتباط نباشد. پژوهشگران به این

نتیجه دست یافته‌اند که حتی پس از عوامل اضطراب‌زای روانی و حمایت‌های اجتماعی، حضور مذهبی و باور به زندگی پس از مرگ، اثر مثبت فزاینده‌ای در ارتباط با بهزیستی داشته است. هرچند بین عبادت فردی و بهزیستی و نیز اضطراب روانی منفی با حضور مذهبی، رابطه معکوس وجود دارد، هیچ رابطه منفی‌ای میان باور به زندگی پس از مرگ و دعا کردن، با زندگی مناسب امروزی اثبات نشده است. در مطالعه جدیدی در بین افرادی حدود سی ساله که باورهای اعتقادی قوی داشتند، مشخص شد که با اضطراب و افسردگی کمتر، اختلالات شخصیتی کمتر و قدرت نفس بیشتری در آن‌ها وجود دارد (همان: ۸۵-۸۴).

بنابراین مشخص است که دینداری، در داشتن نگرش مثبت به زندگی و کاربست سخت رویی در برابر مشکلات موثر است (کلینی، ۱۳۸۸: ۷۲). ادیان و مذاهب یگانه پرست، با نگاه ارزشی به جایگاه انسان، او را آفریده‌ای می‌دانند که هدفی الهی دارد و مرگ را پایان زندگی نمی‌داند. بی شک نگاه خیر بینانه و عاشقانه خداوند به بنده‌گانش، بستر مثبت اندیشی و نیک نگری به دشواری‌های زندگی را فراهم می‌آورد. باورهای دینی، پاسخگوی خوبی برای پرسش‌های کلیدی و جهانی «از کجا آمده‌ام، چرا در اینجا هستیم و به کجا خواهیم رفت؟» است؛ در حالی که دانش تجربی، پرسش‌هایی را که در قالب «چگونگی» باشند پاسخ می‌دهد. باورهای مذهبی، با پاسخگویی به پرسش‌های چرا گونه، معنا را در زمان نامالیقات و دشواری‌ها پدید می‌آورند، حتی «فروید» نیز با چهره‌ی مذهب ستیزش به انگاره اعتراف نموده است: «تنها، مذهب می‌تواند به هدف زندگی پاسخ گوید. اگر چنین نتیجه گیریم که هدفمند بودن زندگی، تنها در چارچوب مذهب قابل توضیح است، اشتباه نکرده‌ایم» (همان، ۹۰).

دایر همواره شکرگزاری را موجب پیدایش نگرش مثبت در زندگی دانسته است (دایر، ۱۳۸۵: ۲۳۴)؛ اما رویکرد او به این مقوله نیز پیوندی با مذهب ندارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شکرگزاری با هیجان‌های مثبت و به گونه‌ای خاص، با سلامت روان، رفتار جامعه‌پسند، برون‌گرایی و مقبولیت ارتباط دارد. علاوه بر این، شکرگزاری، با رضایت از زندگی، سرزندگی، شادمانی، خویش‌بینی، امیدواری، ساخت‌های جامعه‌پسند همچون همدلی و حمایت حد اکثری از دیگران همبستگی دارد. فرد شکرگزار با بسیاری از متغیرهای مذهبی معنوی، از جمله اهمیت مذهب، شمار دفعات حضور در مراسم مذهبی، خواندن متون مقدس، میزان دعا، ارتباط با خداوند و تعالی معنوی همسو است (همان: ۹۶-۹۵).

در تعالیم قران کریم نیز شواهدی در باره شکرگزاری وجود دارد که بستر ساز نگرش مثبت است (ابراهیم، ایه ۷)؛ و همچنان (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۱). در برخی روایات، شخص شکرگزار را به سبب شکرگزاری، ساعاتندتر دانسته‌اند تا به سبب نعمتی که به او داده شده است؛ چرا که نعمت کالایی دنیوی و شکر، نعمت دنیوی و اخروی است (حرانی، ۱۳۶۷: ۵۱۲).

در رابطه به عرفان‌های اومانیستی بایستی به صورت صریح بگویم که نبود شناخت و آگاهی لازم از خاستگاه معنویت در این عرفان‌ها و وجود پیش فرض‌های مادی در عین پذیرش امور مجردی چون روح، بستر استنتاج‌های نادرستی را درباره معنویت فراهم کرد که یکی از آن‌ها همسان‌سازی معنویت با انرژی است. انرژی از موضوعاتی است که بیشتر در فیزیک تا حدودی نیز در فلسفه بدان پرداخته شده است. در فیزیک، انرژی را قابلیت انجام کار گویند که این کمیت، نماینده کاری است که بر روی جسمی صورت می‌پذیرد (پلانک، ۱۳۹۲: ۲۵۰). انرژی در فیزیک کهن، وصفی از اوصاف جسم است که قابلیت نبود شدن و نیز انتقال از جسمی به جسم دیگر را دارد و در فیزیک جدید و کوانتوم نیز انرژی عرض است. انتقال انرژی به وسیله دو محل «ماده و ذره» و «موج» صورت می‌گیرد. یکی از تفاوت‌های ساختاری مهم انرژی در فیزیک کهن و جدید این است که در گذشته، انرژی را کم متصل و پیوسته می‌دانستند؛ اما در پایان قرن بیستم، آزمایش‌های ماکس پلانک^۱ که به دیدگاه کوانتومی معروف شد، ثابت نمود که انرژی دارای آحاد و کم منفصل است (رحیمیان، ۱۳۷۴: ۱۵-۱۳ و ۱۰۱).

باید توجه داشت که در بسیاری از موضوعات فرامادی، تعابیر نمی‌تواند گویای حقیقت مسئله باشد. سخن از انرژی مثبت و منفی، انرژی معنوی و ... انسان را در تشخیص جوهره معنویت راستین به اشتباه خواهد انداخت. اگر این اصل که انسان بُعدی فرامادی به نام روح دارد که معنویت و حالات معنوی به گونه مستقیم به آن مرتبط است پذیرفته شده، چگونه می‌توان بدون در نظر گرفتن اصل سنخیت میان پدیده مادی و امر مجرد، ادعا نمود که معنویت همان انرژی یا مولد انرژی است؟ عقل حکم می‌نماید که میان اثر با مؤثر و منبع اثر هم سنخی برقرار است؛ به دیگر سخن، اگر پذیرفتیم که معنویت از فراماده است و بعد روحانی و تجری انسان، عامل اساسی در زیست معنوی او به شمار می‌آید، آثار معنوی نیز که همان حالت‌های خوشایند و مثبت درون انسان‌هاست، باید غیر مادی بوده تا هم سنخی لازم برقرار شود؛ از سویی دیگر، به سبب ارتباط روح مجرد و بدون مادی که در فلسفه‌های اسلامی درباره این استدلال‌های قانع کننده‌ای ارائه شده است، هر آنچه در روح اثر گذار باشد، در بدن نیز اثر ویژه خود را به گونه مادی گذاشته و به عکس؛ بنابراین لذت‌ها و دردهای جسمانی نیز در پیدایش حالات مثبت و منفی روح مؤثرند (حسین پور، ۱۳۹۳: ۱۲۶).

اخیراً در غرب و جوامع غرب زده وقتی دیدند در زندگی دچار خلاء شده‌اند، برای ارضای حس درونی خود قائل به نظریه‌ای شدند که بر اساس آن اصالت را به انسان داده و خداخواهی را از او نفی کردند تا بتوانند به زعم خویش به واسطه این کار بر درجات و کرامات انسانی بیفزایند.

این نوشتار سعی دارد با نقد این تفکر، اثبات کند که مکتب اومانیسیم نه تنها در این راه موفق نبوده، که سیر قهقرایی نیز برای انسان به وجود آورده است؛ و از طرفی با نگاهی به دین مبین اسلام سعی بر آن دارد تا کرامت انسان را از منظر امام علی (علیالسلام) اثبات نماید. اینک با هم مطلب را از نظر می گذرانیم: گروهی که در غرب خداخواهی را با اصالت انسان در تضاد می بینند، پدیدآورندگان مکتب اومانیسیم هستند، البته ماجرا از آن جا سرچشمه می گیرد که غرب پس از نفی عوالم طبیعی، در خود بیک فقر معنوی عجیبی احساس می کرد، زیرا انکار خدا و نفسی جهان و انسان با قوانین خشک طبیعی، هر نوع عاطفه را از جامعه برچید و انسان با یک ماشین یکسان گردید.

گاهی در این باب از دین و پای بندی به قوانین الهی سخن گفته می شود و گاهی از جامعه سکولار که پایبند به قوانین الهی نبوده و به دین و مذهب اعتقادی ندارند. در مورد نخست بعضی پای بندی به قوانین الهی را محدودکننده بشر می دانند و آن را نوعی سلب آزادی برای انسان تلقی می کنند. در حالی که چون انسان با کمال آزادی دین را می پذیرد، طبعاً هر نوع محدودیت دینی برخلاف انتظار نیست؛ بلکه در این صورت مخالفت با این محدودیت نوعی مخالفت با آزادی و خود مختاری انسان شمرده می شود. از طرفی باید ببینیم آیا محدودیت های دینی را می توان محدودیت نامید؟ اصلاً آیا پذیرفتن قوانین الهی با اصالت و کرامت انسانی منافات دارد یا نه؟ اگر به این کلام امام علی (ع) نگاهی بیندازیم که فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ جَعَلَ الطَّاعَةَ غَنِيمَةَ الْأَكْبَاسِ عِنْدَ تَفْرِيطِ الْعَجْزَةِ».

همانا خدای سبحان طاعت را غنیمت زیرکان قرار داد آن گاه که مردم ناتوان کوتاهی کنند؛ می بینیم امام، عبادت و سر نهادن به قوانین الهی را نشانه تیزیابی افراد دانسته و آن را درجه ای از درجات والا می دانند نه محدودیت و ضد آزادی. در کلام امام علی (ع) حرکت به سوی عبادت و بندگی، سبقت گرفتن به سمت خوشبختی دانسته شده است. امام در خطبه ای با اشاره به آیه «لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاؤُا بِمَا عَمِلُوا وَ يُجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى»، مردم را به سبقت گرفتن به سوی طاعت خدا دعوت نموده و فرموده اند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ سَارِعُوا إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ وَ الْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ وَ التَّقَرُّبِ إِلَيْهِ بِكُلِّ مَا فِيهِ الرِّضَا فَإِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ» تقوای الهی داشته باشید و به سوی رضوان الهی و عمل به طاعات او و نزدیکی او با هر وسیله ای که در آن رضای اوست، سرعت بگیرید.

جوامعی که دین را از زندگی بشر حذف کردند تا بلکه بتوانند با این کار به ارزش انسان رنگ و لعابی بدهند، باید گفت: آن ها هر چند محدودیت های دینی را پذیرا نیستند، ولی از محدودیت های اجتماعی که زاییده حکومت اکثریت است، گریزی ندارند و باید پذیرای آن باشند و این محدودیت نیز به نوعی از مجرای خود مختاری بشر عبور کرده و به دست و پای او بسته

می‌شود. بنابراین هیچ جامعه‌ای اعم از دینی و الحادی نمی‌تواند از آزادی مطلق بهره بگیرد. اما باید اندیشید در این دو جامعه محدود، در کدام یک کرامت بشر حفظ گردیده است؟ آیا می‌توان گفت در جوامع غربی جبر و استبداد به کلی از بین رفته و با حکومت‌های دموکراتیک کرامت انسانی افزایش یافته است؟ مگر نه این است که امروزه پس از پیوستگی جوامع و گسترش صنعت، عوامل جبرآفرین دیگری نیز پدید آمدند، که اختیار را از کف انسان‌ها می‌ربایند و چه بسا انسان فکر می‌کند که عمل کرده اما غافل از آنکه عواملی خارج از اختیار، مانند رسانه‌ها و تبلیغات همراه‌کننده فکر و اندیشه را در مغز او پدید می‌آورد. در انتخابات غرب این مسئله کاملاً مشهود است. سرمایه‌داران بزرگ برای انتخاب شدن نمایندگان مورد نظر خود، از ابزارهای گوناگونی حتی ستارگان سینما بهره گرفته و آن چنان جامعه را برای رای دادن به منتخبان مورد نظر خود آماده می‌سازند که حتی خود رای‌دهنده از عوامل جبر آفرین بی‌خبر باشند. در این جوامع انسان به ظاهر آزاد و دارای اصالت است و این در حالی است که اسیر و برده سرمایه‌داران و سیاست‌مداران گشته است. امام علی(ع) در این خصوص در سخنی قاطعانه فرموده‌اند: «لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» بنده کسی نباش که خدا تو را آزاد آفریده است. امام با این کلام می‌خواهند انسان متعلق به غیر نباشد و همواره عزت و سربلندی خود را حفظ نماید. هم اکنون می‌توان دید که در جوامع به اصطلاح اومانستی چگونه انسان بی‌اصالت شده که حتی در واقع حق رای از او سلب گشته و آن چنان تبلیغاتی بر اذهان آن‌ها انجام گرفته که رای و نظر و مشارکت خود را به چشم و ابروی بازیگری، یا شهرت ورزشکاری می‌فروشند؛ در حالی که امام علی(ع) اوج کرامت و شرافت را برای انسان قائل شده‌اند و بهایی در برابر انسان قرار می‌دهند که به هیچ نرخی نمی‌توان آن را قیمت‌گذاری کرد: «إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِ» همانا بهایی برای جان شما کمتر از بهشت نیست، پس به کمتر از آن نفروشید.

از معارف دینی اسلام می‌توان سخاوت را نام برد که بر آن بسیار تاکید گردیده است. ما سخاوت را در آن می‌بینیم که به هنگام درخواست سائلی از ما، به اصطلاح دست رد به سینه او نزنیم، در حالی که امام علی(ع) این را سخاوت نمی‌داند. زیرا از نظر ایشان درخواست کردن از غیر با کرامت و عزت انسانی منافات دارد. ایشان در این مورد می‌فرمایند: «مَاءٌ وَجْهَكَ جَامِدٌ يُقَطِّرُهُ السُّؤَالُ، فَانظُرْ عِنْدَ مَنْ تُقَطِّرُهُ». آبروی تو چون یخی جامد است که درخواست، آن را قطره قطره آب می‌کند، پس بنگر که آن را نزد چه کسی آب می‌کنی. و از آنجایی که برای آبرو و عزت انسانی ارزش والایی قائل هستند، سعی بر حفظ آن توسط افراد دارند و می‌خواهند هیچ نیازمندی کوچک نشود و برای برآورده شدن حاجات آنان؛ برای افرادی که می‌خواهند سخی باشند سخاوت را این‌گونه تعریف می‌نمایند که: «السَّخَاءُ مَا كَانَ ابْتِدَاءً»، سخاوت آن است که تو آغاز کنی. یعنی شما نگذارید نیازمند درب خانه شما بیاید، و قبل از درخواست او، شما نیاز آن را

برآورده سازید. نکته مورد اهمیت این که امام با این همه تأکید و سفارش بر سخاوت، عدالت را بر سخاوت برتری می‌دهد و آن را شریف‌تر از سخاوت می‌داند، زیرا در عدالت ارزش برای همه انسان‌ها است و تدبیر عمومی مردم را شامل می‌شود، در حالی که بخشش شامل گروه خاصی می‌شود. «و سئل علیه السلام: أیهما أفضل: العدل، أو الجود؟ فقال علیه السلام: العدلُ یَضَعُ الأُمُورَ مواضعها، والجُودُ یُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا، و العدلُ سائِسُ عامٍّ، والجُودُ عارضٌ خاصٌّ، فالعدلُ أنسرفهما و أفضلهما».

۲-۳. بررسی پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی: چه نقدی بر پیامدهای تربیتی عرفان‌های اومانستی از دیدگاه و اندیشه وین دایر بر اساس معنویت‌گرایی قرآن کریم وارد است؟

پاسخ پرسش اصلی تحقیق را طبق روش استنتاجی میتوان چنین تقریر نمود:

مقدمه اول: همان‌گونه که گفته شد، وین دایر به تبعیت از عرفان‌های اومانستی معنویت را فرامادی تلقی نمی‌نماید و علاوه بر آن خود معنویت را در یک جهان یک سویه و تک بعدی قرار می‌دهد. به باور نگارنده، مشخص است که وی در ارزیابی دو مسئله همسو (ناامیدی از رحمت و توفیق الهی با شروط و لوازم توبه و بازگشت به خداوند)، دچار اشتباه و درهم آمیختگی شده است.

مقدمه دوم: بر اساس بحثی که در رابطه به سنخیت اشیاء گردید و ثابت شد که تا سنخیتی بین دو شیء برقرار نباشد، امکان تجمیع آن دو غیر ممکن است. از این رو از دو مقدمه متضاد و سالبه نمی‌توان نتیجه‌ای مثبت به دست آورد. از این رو در جواب سوال اصلی تحقیق می‌توان نوشت که: تأکید تعالیم اسلام، امیدواری به لطف پروردگار در هر شرایطی است. این مسئله بدان جهت است که ناامیدی مانند شعله‌ای در میان خرمناگاه، نرم‌نرمک سبب نابودی تمام آن خواهد شد. روایاتی از امیرالمومنین مؤید این سخن است: «اگر ناامیدی بر قلب انسان چیره شود، تأسف خوردن آن، دل را از پای در خواهد آورد» (نهج البلاغه: حکمت ۱۰۸). یا این تأکید که «ناامیدی صاحبش را می‌کشد» (آمدی، ۱۳۶۶: حدیث ۶۶۵۵).

پرسش فرعی: با نظر به معنویت‌گرایی قرآنی، چه انتقاداتی بر پیامدهای تربیتی عرفان‌های اومانستی با تأکید بر اندیشه وین دایر وارد است؟

الف: انسان غایت است. انسان اصل است. انسان والاتر است. انسان از خدا بالاتر است.

ب: خدا اصل است. خدا لایتناهی است....

الف: الوهیت خداوند کریم در انسان دمیده است، انسان همان خداست. انسان مقدس است. انسان چاره‌ای جز رهایی از زجر و شکنجه ندارد. انسان بایستی، تمام تلاش خویش را معطوف به رهایی از رنج و شکنجه‌های امروزی بکند و از آمال و آرزوهای خویش بکاهد تا به سعادت و رفاه

برسند. این آسوده جویی و رفاه طلبی در سرتاسر عرفان‌های اومانیستی موج میزند و سرانجام این اصالت انسان، انسان حریص، طماع و در نهایت درنده تبدیل می‌کند.

ب: در نگرش تعلیم اسلامی بر مبنای قرآن کریم، نیز اگر بر این باوریم که خداوند در همه جا حضور دارد، نزدیک‌ترین مکان، قلب و روح آدمی است؛ بر این اساس، نخستین گام، در پشیمانی از گناه است که انسان، خویشتن را تنها و جدای از خداوند ندیده و او را بر روح خود ناظر بداند. پشیمانی نیز حالتی روحی است که محل پیدایش آن، روح و دل انسان است. دانشمندان اخلاق، نشان آن را حسرت، اندوه و گریه درازمدت دانسته‌اند که از مسیر اندیشه ورزی و تأمل حاصل می‌شود. برخلاف پندار وین دایر که گناه را تنها، مانعی در راه پیشرفت دیده و راه حل را گذر از آن با نادیده انگاری می‌شمارد، در مقابل، آموزه‌های دینی، تفکر و توجه به عمل ناپسند را پیشنهاد نموده و حتی آن را از شروط پاکسازی و نورانیت روح دانسته است (نجات‌بخش، ۱۳۸۹: ۱۴۵-۱۴۳).

نگاه تعلیم اسلامی و قرآن کریم	اندیشه‌های کلیدی وین‌دایر
خدا محوری و اعتقاد و ایمان به خداوند کریم، از اصول اساسی اسلام است و قرآن کریم به کرات مسلمانان را به ایمان داشتن به خداوند کریم توصیه کرده است، از این رو بحث خدا محوری که وین دایر مطرح کرده است، مورد تأیید قرآن کریم نیز می‌باشد.	خدا محوری
در تعلیم اسلام و قرآن کریم به صورت صریح و روشن، خلقت کائنات، جهان هستی و انسان هدف‌مند تعریف شده است، بنابراین هدف مندی خلقت که از نکات ارزشی و هنجاری ارائه شده توسط وین دایر است، مورد تأیید قرآن کریم و تعلیم اسلامی نیز می‌باشد.	هدف مندی خلقت
قدردانی و شکر گزاری از نعمات الهی در آیات متعدد قرآن کریم توصیه گردیده است و اینکه وین دایر بدین نکته دست نهاده است، مورد تأیید قرآن می‌باشد.	شکر گزاری
قناعت و ساده زیستی که از نکات ارزشی وین دایر است، در بسیاری از تعلیم اسلامی و به ویژه قرآن کریم تصریح گردیده است و بنابراین این مسئله نیز مورد تأیید قرآن کریم است.	قناعت و ساده زیستی
گذشت و ایثار در قرآن کریم توصیه گردیده است. اما آنگونه که وین دایر مطرح کرده است، مورد تأیید قرآن کریم نیست. بنابراین موضوع ممکن است آنگونه که وین دایر ارائه کرده است، مورد تأیید قرآن کریم نباشد.	گذشت و ایثار
وین دایر خدمت به خلق خدا را یکی از نکات ارزشی که باعث مسرت و رضایتمندی در زندگی می‌گردد ارائه کرده است و قرآن کریم نیز در موارد متعدد این مسئله را تأیید کرده است.	خدمت به خلق خدا
قرآن کریم به شدت با آزادی جنسی مخالف است و در آیات متعدد این مسئله را یک آفت معرفی کرده است. بنابراین قرآن کریم آزادی جنسی را رد می‌کند، اما به دلایل و عواملی که وین دایر این مسئله را ضد ارزش‌های انسانی گفته است، نیست.	آزادی جنسی ضد آزادی

صدافت و راستگویی از مسائل اساسی در تعالیم اسلامی است. قرآن کریم به کرات مسلمانان را به راستگویی توصیه کرده است. از این رو این موضوع از منظر قرآن نیز مورد تأیید است.	راستگویی
گفتمانی خارج از منطق و خصمانه، آثاری مخربی در پی دارد که قرآن کریم در بعضی آیات آن را نفی کرده است و اینکه وین دایر این موضوع را مطرح کرده است، مورد تأیید قرآن کریم نیز می باشد.	پرهیز از مجادله و مرء
انکار گناه از سوی وین دایر مورد تأیید قرآن کریم نیست. این مسئله در قرآن کریم به کرات تعریف و تعیین شده است. بنابراین قرآن کریم با این موضوع کاملاً مخالف است.	انکار گناه
توبه نیز از نکات کلیدی و هنجاری است که انکار آن توسط وین دایر مورد تأیید قرآن کریم نیست.	انکار توبه
همانطور که در مباحث پیشین به صورت مفصل مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت، انکار دین و مذهب از سوی وین دایر، هرگز مورد تأیید قرآن کریم نبوده و نیست.	انکار دین و مذهب



نتیجه‌گیری

عرفان‌های اومانیستی با تأمل به جهان یک سویه و یک بعدی که انسان را در مرکز توجهات قرار می‌دهند، از دست‌آوردهای مهم اومانیست‌ها به شمار می‌رود. که البته آموزه‌های اسلامی نیز به کاربست آن در زندگی مسلمانان سفارش نموده است؛ از سویی دیگر در دوران معاصر، درمان معنوی از گرایش‌هایی شد که در قلمرو بهداشت و سلامت روان، توجه برانگیز شد. اندیشمندانی چون وین دایر با داشتن نگرش مثبت به زندگی و استفاده از جنبه‌ای روحانی بشر، به مقوله معنویت اهمیت دو چندان بخشیدند؛ اما از آنجا که دیدگاه «معنویت منهای دین» بر آنان سلطه داشته، در تفسیر معنویت و نتیجه بخش بودن عملی آن به برداشت‌های نادرستی اشاره کرده‌اند. بر اساس، در کاربست معنویت در درمان‌ها و نیز ارتباط آن با عرفان، باید نکاتی ذیل را که از تعالیم عالی قرآن کریم است، مورد توجه قرار داد:

۱. معنویت آنگاه اثر بخش و پایدار خواهد بود که از خواستگاه راستین و حقیقی خودگرفته شده باشد؛

۲. هم از منظر تجربی و هم قرآن کریم در تعالیم خویش تأکید و تصریح نموده است که نمی‌توان نقش مذهب و معنویت برخاسته از آن را در بهداشت و بهیاشی روحی انسانهای نادیده انگاشت.

۳. از آنجا که سرشت الهی آدمی الهی بوده و روحی خدایی دارد، روانشناسی معنوی در صورتی موفق خواهد بود که به چارچوب‌های لازم در تقویت روحیه انسان که همانا مقوله اخلاق دین محورانه است توجه داشته باشد؛

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ۱- مظاهری سیف، حمید رضا (۱۳۹۱). جریان شناسی انتقادی عرفان های نوظهور، ج ۱، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۲- شریفی دوست، حمزه (۱۳۹۱). حمزه، کاوشی در معنویت های نوظهور، انتشارات صهبای یقین.
- ۳- جوارشکیان، عباس (۱۳۸۳). مبانی نظری روش تحقیق در علوم انسانی، مجله علوم انسانی، شماره ۱۳.
- ۴- توتیچل، پل (۱۳۷۹). تجاری معنوی از سفر به جهانهای ناشناخته ، انتشارات سی گل.
- ۵- نیک سرشت، پروین و طباطبایی، سیده فاطمه (۱۳۹۶). تحلیل و بررسی پیامدهای اومانیسیم از دیدگاه علامه طباطبایی با تکیه بر تفسیر المیزان، فصلنامه مطالعات قرانی، دوره ۸، شماره ۳۲.
- ۶- ابوترابیان، فاطمه (۱۳۸۵). نقد و بررسی اومانیسیم از دیدگاه استاد مطهری (ره)، پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه کلام، دانشگاه تهران.
- ۷- وکیلی، هادی (۱۳۸۴). نقد مبانی اومانستی حقوق بشر غربی، فصلنامه نقد، شماره ۳۶.
- ۸- صانع پور، مریم (۱۳۸۲). دیدگاه اومانستی و دین، قیسات، شماره ۲۸
- ۹- پیروز، غلامرضا (۱۳۸۵). انسان، اومانیسیم و عرفان اسلامی، مجله تخصصی زبان و ادبیات علوم انسانی مشهد، دوره ۳۹، شماره ۴.
- ۱۰- دایر، وین والتر (۱۳۸۶) اعجاز واقعی، محمد رضا آل یاسین، تهران: اردبیهشت.
- ۱۱- دایر، وین والتر (۱۳۹۳) عرفان داروی دردهای بی درمان، محمدحسن نعیمی، تهران: کتاب آیین.
- ۱۲- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۲). آشنایی با نقد ادبی، ناشر: سخن.
- ۱۳- دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۹). لغت نامه، انتشارات روزنه.
- ۱۴- دیویس ، اشپیل (۱۳۷۸) تمدن مغرب زمین، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: امیر کبیر.
- ۱۵- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۳). ارزش میراث صوفیه، امیر کبیر، تهران، چ ۷، ص ۱۳.
- ۱۶- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). آشنایی با علوم اسلامی، (کلام، احکام، عرفان، حکمت عملی)، انتشارات صدرا، تهران.
- ۱۷- هورن بی ، جان (۱۳۸۰)، آموزش و پرورش و روح: به سوی یک نامه درسی معنوی، ترجمه: نادرقلی قورچیان، تهران: فراشناختی اندیشه
- ۱۸- صدیقی، فریبرز (۱۳۸۷) «تجربه های معنوی - عرفانی از دیدگاه روانشناسی»، مطالعات عرفانی، ش ۸، کاشان: دانشگاه کاشان.

- ۱۹- حرانی، ابومحمد (۱۳۶۷). تفسیر به رای، قم، انتشارات صدرا.
- ۲۰- حسین پور، رضا (۱۳۹۳). اعتباریابی الگوی شایستگی های مشاوران نظام تعلیم و تربیت عمومی، مجله فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، دوره ۱۵، شماره ۵۳.
- ۲۱- نجات‌بخش، مریم (۱۳۸۹). ماده انگاری فیزیک و فلسفه، حکمت سینوی (مشکوه النور)، ش ۳۶ و ۳۷، تهران: دانشگاه امام صادق.
- ۲۲- آمدی، ابوالفتح (۱۳۶۶) غررالحکم و در رالکم، قم: مرکز النشرالتابع مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۲۳- پلانک، ماکس (۱۳۹۲) علم به کجا می رود، احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۲۴- دایر، وین والتر (۱۳۸۷) اعجاز واقعی، محمد رضا آلیاسین، تهران: اردیبهشت.
- ۲۵- طباطبائی، علامه محمد حسین (۱۳۶۳) تفسیر المیزان، ج ۱۹، ۲۰، ۱۲، ۲، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)
- ۲۶- کلینی، ابی جعفر محمد، (۱۳۶۴) اصول کافی، سیدجواد مصطفوی، قم: نور.
- ۲۷- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، اصول کافی، لطیف و سعید راشدی، قم: انتشارات اجود.
- ۲۸- کوئینگ، هارولد (۱۳۹۴) ایمان و سلامت روان: منابع مذهبی جهت شفاجستن، نجف طهماسبی پور و محمد شعبانی، تهران: آوای نور.

29- John C. Luik, "Humanism", Routledge Encyclopedia of Philosophy, Edward Craig (ed), London: Routledge, 1998, Vol.4, p.528.